

نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به آقای اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد

آقای اوتانت دبیر کل سازمان ملل متفق

اکنون که به کشور ما آمده‌اید باید بدانید که دیوارهای نامرئی و ضخیمی شما را از حقایقی که بر ملت ایران می‌گذرد جدا می‌کند. ما مقدم شما را بعنوان عالیترین مرجع جهانی صلح و عدالت گرامی می‌داریم ولی متأسفیم که دستگاه پلیسی حکومت ایران از آشنائی شما با اوضاع حقیقی یکی از اعضای سازمان ملل متفق جلوگیری می‌نماید. شاید شناسائی عمیق شما نیز در تغییر سرنوشت ملت ستمدیده و غارت زده ایران تاثیری نداشته باشد. زیرا سازمانی که شما آنرا اداره می‌کنید متأسفانه از حمایت و حراست حقوقی که برای افراد در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعیین شده است عملاً عاجز است ملت ما با وجود اینکه در سال مبالغ هنگفتی بعنوان عضو سازمان ملل می‌پردازد و با وجود اینکه سازمان ملل اداره بزرگی در تهران دارد نمی‌تواند به قدرت اخلاقی این سازمان در نجات از حکومت پلیسی و استبدادی کشور خود متکی باشد.

ما این حقیقت را خوب می‌دانیم که اداره شما در تهران کوچکترین کمکی در راه تحقق آرمانهای انسانی نمی‌کند. اعضای سازمان شما در تهران با حقوقهای گزاف از زندگی کاملاً مرفهی برخوردارند و عملاً تابع سیاست روز دولت ایران می‌باشند. شاید جز این چاره دیگری نداشته باشند. ولی برای ملتی که بوسیله طبقه حاکمه‌اش غارت می‌شود و در زیر فشار میلیتاریسم زندگی می‌کند سازمان شما نمی‌تواند بعنوان مرجع جهانی امنیت و عدالت و حفظ آزادیها و حقوق اساسی بشری شناخته شود و با این همه شما اکنون بعنوان رئیس این سازمان به کشور ما آمده‌اید و کشور ما نیز عضو سازمان ملل متحد است خواه ناخواه اگر قدرت اجرائی سازمان شخص شما در به ثمر رساندن موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر نا آنجا نیست که بتوانید در داخل مرزها برای نظارت در اجرای عدالت اجتماعی و تامین آزادیها و حیثیت انسانی نفوذ کنید ولی ما از شما بعنوان یک فرد آسیائی بعنوان فردی از کشوری که سالها در چنگال استعمار بود تقاضا می‌کنیم از دولت ایران بخواهید درهای زندانها را بروی شما بگشایند تا ببینید شریفترین فرزندان ایران - استادان دانشگاه - روحانیون بزرگ و دانشگاہیان چگونه در بند کشیده شده‌اند. از دولت ایران بخواهید راه شما را بسوی دانشگاه - مدارس عالی کشور - کوچه‌ها و خیابانها باز کند تا شما بتوانید با مردم این کشور و یا روشنفکران و طبقات مختلف آن صحبت کنید تا آنها شما را از بیدادی که بر این ملت می‌رود آگاه کنند.

از دولت ایران بخواهید که دست شما را در شناختن هویت نمایندگان مجلس شوری باز بگذارد تا بدانید که چگونه دولت پلیسی شاه اعضای رسمی سازمان امنیت را بعنوان قانون گذار و نماینده ملت بر کرسی نمایندگی نشانده است؟ و سری نیز به مجلس سنا بزنید تا با دیدن قیافه‌های کهنه فئودالها و قزاقها معنی انقلاب سفید شاه را بهتر درک کنید.

آقای دبیر کل یکااش مأمورین شما در تهران اینقدر در اشاعه هدفها و آرمانهای اعلامیه جهانی حقوق بشر شهامت داشتند که می‌توانستند شما را از جریان واقعی فقر و مسکنت ملت ایران و دزدیهای طبقه حاکمه و تجاوزات حکومت پلیسی شاه به قانون اساسی و آزادیهای انسانی با خبر می‌کردند. اکنون در کشور ما نه فقط سازمان امنیت و ارتش و اداره تبلیغات و شهربانیها بلکه همه سازمانها و همه امور برای حفاظت سلطنت شاه فعالیت می‌کنند. کلیه فعالیتهای اقتصادی در جهت افزایش حسابهای بانکی شاه و خانواده و اقوام و همدستان او می‌باشد و بس. شاه ایران از تمام معاملات که در خارج و داخل کشور انجام می‌گردد سهم می‌برد. برادران و خواهران او در همه رشته‌های اقتصاد بنفع خود دخالت دارند. حتی در بلیطهای بخت آزمائی و کتب درسی مدارس. شاه مملکت کلیه فعالیتهای توریستی را در ایران بصورت تاسیس مهمانخانه‌ها بنفع خود قبضه کرده است.

ارتش ایران با تمام مخارج سرسام آورش وظیفه‌ای جز دفاع از این منافع نامشروع ندارد. در حالیکه ملت ایران در آتش فقر می‌سوزد و بیکاری و تورم و بحران اخلاقی و اقتصادی کلیه امید و آرمانهای انسانی جامعه را در کام خود نابود کرده است. هر حرکتی با گلوله پاسخ داده می‌شود و هر فعالیتی را در زندانها بوسیله شکنجه خنثی می‌کنند. شاه ایران در حالیکه تمام مفاهیم عالی بشری را به مسخره گرفته است، میلیونها تومان برای فریب افکار عمومی دنیا خرج می‌کند. به زور سرنیزه و حکومت پلیسی همه مظاهر آزادی را در ایران نابود کرده است. تمام جرایم در نظارت شدید سازمان امنیت قرار دارد. هرگونه اجتماع و انتقاد و راهنمایی خیرخواهانه بدست پلیس و ارتش و مامورین مخفی کوبیده می‌شود. مجلس شورا و سنا یکپارچه مامورین مستقیم و غیرمستقیم دولتند و در چنین محیط تاریک و خاموشی شاه ایران دم از انقلاب و اصلاحات و پیشرفت اقتصادی می‌زند.

آقای دبیر کل سازمان اداری ایران بخاطر همین استبداد مطلق و نبودن حق انتقاد به کلی در فساد و انحطاط فرو رفته است. کارمندان دولت خودبخود به دزدی و رشوه خواری و احساس عدم مسوولیت نسبت به وظیفه کشیده شده‌اند. سرمایه گذاری به کلی متوقف و قیمتها روزبروز در افزایشند و بالاخره اصلاحات ارضی که تک خال انقلابات دروغین شاه بود دهقان بیچاره را بجای سروسامان دادن به نابودی کشانده است و شرکتهای تعاون روستائی هم از مرحله حرف و کاغذ تجاوز نکرده است.

خلاصه همه چیز در کشور ما بر اثر حکومت پلیسی و نبودن آزادی جز فریب و خدعه نیست. همه چیز در راه تقویت سلطه غیرقانونی شاه و افزایش حسابهای بانکی او و خانواده‌اش و خفقان بیشتر ملت ایران ادامه دارد. اکنون که شما در کشور ما بسر می‌برید دستیاران شاه سعی می‌کنند شما را نیز با مقداری الفاظ توخالی فریب داده و حقایق و واقعیاتی را که می‌گذرد به دروغ و نیرنگ و در جهت منافع خود تغییر دهند اما پیام ما بعنوان روشنفکران و مبارزان آزادی و انقلاب اجتماعی ایران اینست که فریب این دروغها و صحنه سازیها را نخورید و اگر بعنوان دبیر کل سازمان ملل متفق قادر نیستید گامی در جهت رهائی ملت ایران بردارید لاقلاً بعنوان یک انسان شریف و یک آسیایی که طعم اسارت و استعمار را در وطن خود چشیده است ندای ما را بگوش مردم جهان برسانید تا دنیا بداند که ملتی در آسیا با تمام سوابق درخشان تاریخی و فرهنگی و با تمام استحقاق مادی و معنوی که برای تکامل دارد در چنگال کثیف‌ترین و خشن‌ترین حکومت پلیسی گرفتار است و منابع و ثروت این ملت به دستگیری شاه و طبقه حاکمه به یغمای استعمارگران می‌رود. بدینا بگوئید که استعمارگران جهان به خاطر غارت نفت ما حکومت ملی پیشوای بزرگ و محبوب مردم ایران دکتر مصدق را ساقط کردند و از آن پس فاسدترین و رزق‌ترین عناصر میلیاردها ریال از پول ملت را غارت کردند. تمام درآمد ارضی ما از راه نفت دو مرتبه بدست طبقه حاکمه افتاده و با سیاست نابود کننده دروازه‌های باز بخاطر خرید محصولات کشورهای استعماری به جیب آنها برمیگردد و آنچه از این منافع برای برنامه‌های عمرانی اختصاص می‌یابد باز به جیب مقاطعه کاران خارجی و به حسابهای بانکی شاه و یارانش ریخته می‌شود. ثروتمندان - مقاطعه کاران - دلالتان که دربار شریک اصلی آنها است از پرداخت میلیونها تومان معاف می‌شوند و مالیات بدوش مردم فقیر سنگینی می‌کند. خلاصه این مردم از هر طرف که گام بر میدارند بوسیله راهزنان داخلی و خارجی غارت می‌شوند. و آزادمردان و روشنفکران آنها نیز یا در زندانها هستند و یا در زیر سر نیزه میلیتاریسم محکوم به خاموشی می‌باشند.

جنبش همگانی و مقدس مردم ایران در نیمه خرداد تاریخی توسط ارتشی که باید سپر تجاوزات بیگانگان باشد بخون کشیده شد و هزاران شهیدی که بخاطر دین و آزادی ملت و (پیشوای عالیقدرشان حضرت آیت‌الله العظمی خمینی) از مرگ استقبال کردند به مرتجع بودن و دیگر اتهامات سفیهانه شاه و همدستانش متهم شده‌اند. قهرمانان ارجمند بشریت که بر ضد دیکتاتوری یعنی ارتجاعی‌ترین رژیم دوره وحشیگری مبارزه می‌کنند از طرف بلندگوهای مرتجع اعظم که خود ننگ آفرینش آدم می‌باشد به باد ناسزا گرفته می‌شوند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قانون اساسی ایران به ما

اجازه اظهار عقاید مذهبی و نظریات سیاسی داده است و حق ماست که در برابر تهمتهای دستگاه حاکم مستبد مقاصد آزادیخواهانه و مترقی و آرمانهای بشر دوستانه خود را ابراز و اعلام نمائیم.

آیا شما بعنوان مظهر سازمانی که ظاهراً نگهبان آزادی عقاید و آزادی بیان است می‌توانید حداقل امکاناتی را که برای بیان مقاصد و نظریاتمان لازم است فراهم سازید؟ آیا ممکن است از شاه سؤال بفرمائید که به چه دلیل و با کدام مجوز قانونی مرجع تقلید بزرگ شیعیان را به موجب حقوق اسلامی و قانون اساسی ایران مصون از تعرض و توقیف و توهین است ماهها در زندان نگهداشته است؟

آقای دبیر کل

اینست وضع مملکتی که شما اکنون در پایتخت آن بسر می‌برید.

نهضت آزادی ایران